



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
دانشکده: علوم سیاسی و اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

گرایش: مسائل ایران

عنوان پایان نامه:

ظرفی‌تها و موانع راهبرد ائتلاف‌سازی ایران و عراق جدید

استاد راهنما:

دکتر محمد ستوده آرانی

استاد مشاور:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر شمس‌الله مری‌جی

نگارش:

مصطفی باقری

آبان ماه 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده:

فروپاشی وضعیت دوقطبی دوران جنگ سرد در اوایل دهه 1990 و تغییر ساختارهای نظام بین‌الملل، بر اهمیت راهبرد ائتلاف در عرصه‌ی بین‌المللی افزوده است. به‌گونه‌ای که در سال‌های اخیر این راهبرد نقشی اساسی در جهت تأمین اهداف سیاست خارجی کشورهای مختلف داشته است. از این‌رو این پژوهش، به بررسی ظرفیت‌ها و موانع راهبرد ائتلاف‌سازی جمهوری اسلامی ایران و عراق جدید پرداخته و به جهت تبیین ظرفیت‌ها و موانع موجود، از بحث همگرایی منطقه‌ای به‌عنوان چهارچوب نظری تحقیق بهره جسته است. نتایج حاصله نشان‌دهنده‌ی آن است که ایران و عراق، به‌واسطه اشتراکات فراوان قومی، مذهبی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی، از پتانسیل مناسبی در جهت ائتلاف برخوردار هستند؛ اما در کنار آن به‌رغم وجود زمینه‌های فوق، مؤلفه‌هایی همچون حضور بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در روند تحولات عراق جدید، از بزرگ‌ترین موانع ائتلاف دو کشور است.

کلیدواژه‌ها: ایران، عراق جدید، ائتلاف‌سازی، ظرفیت‌ها، موانع.

فهرست مطالب

1	مقدمه: طرح تفصیلی
2.....	1- طرح مسئله تحقیق:
3.....	2- اهداف تحقیق:
3.....	3- اهمیت و فایده تحقیق:
3.....	4- سوالات تحقیق:
4.....	5- فرضیات تحقیق:
4.....	6- پیش فرض های تحقیق:
4.....	7- روش تحقیق:
4.....	8- چهارچوب نظری تحقیق:
5.....	9- پیشینه تحقیق:
8.....	10- سازماندهی تحقیق:
10	فصل اول: مفاهیم و چهارچوب نظری
11	گفتار اول: مفاهیم
11.....	1- سیاست خارجی
12.....	2- اهداف سیاست خارجی
12.....	3- راهبرد (استراتژی)
13.....	4- ائتلاف
14.....	5- راهبردهای رایج در سیاست خارجی
14.....	5-1 انزوای طلبی
15.....	5-2 بی طرفی
16.....	5-3 عدم تعهد
17.....	5-4 اتحاد و ائتلاف
18	گفتار دوم: چهارچوب نظری
19.....	الف: متغیرهای الگوی چهارگانه
19.....	1- ماهیت و میزان همبستگی
19.....	1-1 همبستگی اجتماعی
19.....	1-2 همبستگی اقتصادی
19.....	1-3 همبستگی سیاسی
20.....	1-4 همبستگی سازمانی
20.....	2- ماهیت ارتباطات

3- سطح قدرت.....	20
4- ساختار روابط.....	21
4-1- طیف روابط در یک منطقه.....	21
4-2- علل برقراری روابط کشورهای یک منطقه.....	22
4-3- ابزارهای روابط.....	22
ب: سیستم نفوذ گذار.....	22
1- بخش مرکزی.....	23
2- بخش پیرامونی.....	23
3- سیستم نفوذ گذار (قدرت‌های مداخله‌گر خارجی).....	23
فصل دوم: ظرفیت‌های راهبرد ائتلاف‌سازی ایران و عراق جدید.....	26
مقدمه:.....	27
گفتار اول: ماهیت و میزان همبستگی ایران و عراق جدید.....	29
1- همبستگی اجتماعی.....	29
1-1- قومیت (کردها).....	29
1-2- دین (مذهب مشترک).....	31
1-3- فرهنگ و تاریخ مشترک.....	32
2- همبستگی اقتصادی.....	35
2-1- مشابهت ساختار اقتصادی.....	35
2-1-1- ساختار اقتصادی ایران.....	35
2-1-2- ساختار اقتصادی عراق.....	36
2-2- مکمل بودن اقتصادی.....	37
2-2-1- مبادلات تجاری ایران با عراق.....	38
2-2-2- همکاری دو کشور در حوزه انرژی.....	43
2-2-2-1- دسترسی آسان‌تر عراق به خلیج فارس از طریق ایران.....	44
2-2-2-2- همکاری در حوزه مسائل فنی - مهندسی.....	44
2-2-2-3- همکاری در حوزه آموزش و پژوهش.....	45
2-2-2-4- همکاری در زمینه‌ی احداث پالایشگاه.....	46
3- همبستگی سیاسی.....	46
3-1- طبقه‌بندی کشورهای ایران و عراق به لحاظ سیاسی.....	47
3-2- ساختار و نوع نظام سیاسی حاکم بر ایران و عراق جدید.....	47
3-2-1- جمهوری.....	47
3-2-2- نظام پارلمانی.....	48
3-2-3- نظام دموکراتیک.....	48
3-2-4- نظام فدرال.....	48
3-2-5- نظام اسلامی.....	48
4- همبستگی سازمانی.....	50

- 4-1 سازمان اوپک..... 51
- 4-1-1-1 زمی نه‌های پی‌دای‌ش اوپک..... 51
- 4-1-2 اهداف سازمان اوپک..... 52
- 4-1-3 فرصت‌های همکاری ایران و عراق در چهارچوب اوپک..... 52
- 4-1-3-1 همکاری درزمی نه‌ی تثبیت قیمت بالای نفت در بازارهای جهانی..... 52
- 4-1-3-2 همکاری درزمی نه‌ی تشکیلی یک قطب قدرتمند و هم‌تراز نفتی در مقابل عربستان..... 53
- 4-2 جنبش عدم تعهد..... 54
- 4-2-1 زمی نه‌های پی‌دای‌ش جنبش عدم تعهد..... 54
- 4-2-2 اهداف و اصول جنبش عدم تعهد..... 55
- 4-2-3 فرصت‌های همکاری ایران و عراق در جنبش عدم تعهد..... 56
- 4-3 سازمان کنفرانس اسلامی (همکاری‌های اسلامی)..... 58
- 4-3-1-1 زمی نه‌های پی‌دای‌ش سازمان کنفرانس اسلامی..... 58
- 4-3-2 اهداف سازمان کنفرانس اسلامی..... 58
- 4-3-3 فرصت‌های همکاری ایران و عراق در سازمان کنفرانس اسلامی..... 59
- 62 گفتار دوم: سطح قدرت کشورهای ایران و عراق جدی د.....**
- الف: ارزیابی نسبی سطح قدرت ایران و عراق جدی د..... 64
- ۱- عامل سرزمینی..... 64
- ۱-۱ وسعت..... 64
- 1-2 می‌زان دسترسی به آب‌های آزاد..... 65
- ۱-۳ تراکم (نفر در کیلومتر مربع)..... 66
- ۱-۴ تراکم زیستی (نفر در کیلومتر مربع مساحت قابل استفاده کشاورزی)..... 66
- 1-5 می‌زان جاده‌های کشور..... 67
- 1-۶ کل مسی‌ر راه‌آهن..... 67
- ۱-۷ می‌زان تولی‌د برق..... 68
- ۱-۸ منابع تجلی‌دشونده آب..... 68
- 1-9 می‌زان ذخی‌ر بالقوه نفت و گاز..... 69
- ۲- عامل اقتصادی..... 69
- 2-۱ تولی‌د ناخالص داخلی..... 70
- 2-2 سرانه درآمد ملی..... 70
- ۲-۳ درصد رشد سالانه تولی‌د ناخالص داخلی..... 71
- ۲-۴ سهم صادرات صنعتی از کل صادرات..... 72
- 2-5 سهم واردات مواد غذایی از کل واردات..... 73
- 2-6 ترکیب نی‌روی کار (در بخش‌های مختلف اقتصادی)..... 73
- 2-7 نرخ بی‌کاری..... 74
- 2-8 تعداد بنادر و فرودگاه‌ها..... 74
- ۲-۹ مجموع ذخی‌ر مالی کشور (به می‌لی‌ارد دلار)..... 75

- 3- عامل فرهنگی..... 75
- 1-3 نرخ سواد افراد بالای 15 سال..... 76
- 2-3 تعداد روزنامه برای هر 1000 نفر جمعیت..... 76
- 3-3 تعداد مشترک اینترنت به ازای هر 1000 نفر جمعیت..... 76
- 3-4 تعداد تلویزیون به ازای هر 1000 نفر جمعیت..... 77
- 3-5 تعداد تلفن ثابت برای هر 1000 نفر..... 77
- 3-6 سرانه مصرف کاغذ (کیلوگرم)..... 78
- 3-7 تعداد ایستگاههای رادیو و تلویزیون..... 78
- 3-8 سهم هزینه آموزش از تولید ناخالص داخلی..... 79
- 4- عامل اجتماعی..... 80
- 4-1 جمعیت..... 80
- 4-2 درصد جمعیت فعال (15 تا 64 سال)..... 80
- 4-3 گروههای قومی..... 81
- 4-4 شاخص توسعه انسانی..... 81
- 4-5 امید به زندگی در هنگام تولد..... 82
- 4-6 تعداد پزشک به ازای هر 10 هزار نفر..... 82
- 4-7 میزان مرگومیر نوزادان زیر پنج سال در هر 1000 تولد..... 82
- 4-8 میزان مرگومیر مادران به ازای هر 100 هزار تولد زنده..... 83
- 4-9 ضریب جنسی..... 83
- جمع بندی:..... 84
- ب: تأثیر سطح قدرت ایران و عراق جدید، بر ائتلاف دو کشور..... 85
- 1- همکاری در زمینه شبکه ارتباطات زمینی، دریایی و هوایی..... 85
- 1-1 جاده:..... 85
- 1-2 راه آهن:..... 86
- 1-3 بنادر و راههای آبی:..... 86
- 1-4 ارتباط هوایی:..... 87
- 1-4-1 همکاری در زمینه افزایش حجم پروازهای بین دو کشور..... 87
- 1-4-2 همکاری در زمینه ارائه خدمات فنی و عملیاتی در حوزه حمل و نقل هوایی..... 87
- 1-4-3 همکاری در زمینه تأسیس آکادمی علوم پروازی در عراق..... 88
- 2- همکاری در زمینه آب و برق..... 88
- 2-1 آب:..... 88
- 2-2 برق:..... 89
- 3- همکاری در زمینه نفت و گاز..... 90
- 4- همکاری در زمینه کشاورزی..... 90
- 4-1 توسعه کشاورزی عراق با استفاده از تجربیات ایران..... 91
- 4-2 صادرات محصولات، تجهیزات و ادوات کشاورزی به عراق..... 92

92	5- همکاری درزمینه‌ی اشتغال
93	6- همکاری درزمینه‌ی ارتباطات و فناوری اطلاعات (ICT).....
94	7- همکاری درزمینه‌ی گسترش روابط رسانه‌ای دو کشور
96	8- همکاری درزمینه‌ی بهداشت و درمان
96	جمع‌بندی:.....
98	فصل سوم: موانع راهبرد ائتلاف‌سازی ایران و عراق جدی‌د.....
99	مقدمه:.....
100	گفتار اول: ساختار رقابت قدرت‌های درون منطقه‌ای.....
100	1- عربستان.....
101	1-1 سطح‌بندی سیاست خارجی عربستان
101	1-2 جای‌گاه عراق جدی‌د در سیاست خارجی عربستان
103	2- ترکیه.....
105	2-1 نگاه امنیتی ترکیه به عراق
105	2-2 نیاز ترکیه به انرژی عراق
108	3- اسرائیل.....
109	3-1 اهمیت عراق برای اسرائیل.....
109	3-2 آموزه اتحاد پی‌رامونی
110	3-3 طرح اسرائیل بزرگ.....
111	گفتار دوم: قدرت‌های مداخله‌گر خارجی
111	الف: قدرت‌های فرا منطقه‌ای مخالف.....
111	1- آمریکای کا.....
112	1-1 جای‌گاه انرژی عراق در سیاست‌های آمریکای کا.....
114	1-2 تروریسم و دموکراسی در پروژه خاورمیانه بزرگ.....
114	1-2-1 چالش تهدیدات تروریستی.....
115	1-2-2 دموکراسی سازی در پروژه خاورمیانه بزرگ.....
116	2- انگلستان
116	2-1 اهمیت استراتژیک خاورمیانه و عراق برای انگلستان
117	2-2 اهداف اصلی انگلستان در خاورمیانه و عراق.....
118	ب: قدرت‌های فرا منطقه‌ای رقیب.....
118	1- روسیه.....
118	1-1 اهداف کلی روسیه در منطقه خاورمیانه.....
119	1-2 جای‌گاه اعراب در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه.....
120	1-3 نقش انرژی عراق در اقتصاد روسیه.....
121	2- فرانسه.....
121	2-1 اهمیت منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی فرانسه.....

122.....	2-2 دلایل نی‌از فرانسه به منطقه خاورمیانه
122.....	2-2-1 انرژی و بازار منطقه خاورمیانه:
122.....	2-2-2 فروش سلاح به کشورهای محافظه کار عرب خاورمیانه
123	جمع بندی:
124	نتیجه گیری
127	فهرست منابع
127	الف) منابع فارسی
127	کتاب:
130	مقالات:
134.....	ب) منابع غیرفارسی
134	کتاب:
135	مقالات:
136.....	ج) سایت:

مقدمه:

طرح تفصیلی

1- طرح مسئله تحقیق:

در سیاست خارجی هر کشوری، تأمین اهداف و منافع ملی یکی از محورهای مهم و سرنوشت‌ساز است؛ از طرف دیگر مهم‌ترین نکته در تأمین اهداف سیاست خارجی، انتخاب راهبرد مناسب است. یکی از این راهبردها ائتلاف است. یک کشور با اتخاذ راهبرد ائتلاف، به دنبال افزایش قدرت مانور و تأثیرگذاری خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. کشور ایران نیز با توجه به موقعیت حساس ژئوپلیتیکی خود در منطقه‌ی خاورمیانه و فشارها و تحریم‌های بین‌المللی، نیازمند گسترش همکاری‌ها و ائتلاف‌سازی حداقل با یکی از کشورهای منطقه در راستای تقویت قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی خود است. در میان کشورهای منطقه، عراق می‌تواند گزینه مناسبی برای ائتلاف‌سازی باشد. هرچند ممکن است گفته شود که روابط ایران و عراق همواره پر چالش بوده است و سابقه جنگ تحمیلی هشت‌ساله، نشان از اختلافات دو کشور در گذشته است؛ اما باید گفت که با شکل‌گیری عراق جدید، زمینه‌های گسترده‌ای برای افزایش همکاری‌ها میان دو کشور و حرکت به سمت ائتلاف‌سازی منطقه‌ای فراهم شده است. در این میان تشکیل حکومت ائتلافی در عراق که در آن شیعیان و کردها سهم زیادی از قدرت را دارا هستند و از طرفی رابطه خوب ایران با شیعیان و کردها، از زمینه‌های مناسب برای گسترش همکاری‌های ایران و عراق جدید است. علاوه بر این، عضویت هر دو کشور در سازمان‌های بین‌المللی همانند اوپک، جنبش عدم تعهد، همکاری‌های اسلامی و... نیز می‌تواند در گسترش همکاری‌ها مؤثر باشد.

به‌طور کلی، وجود اشتراکات فراوان قومی، مذهبی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی میان دو کشور، زمینه مناسبی را برای حرکت در مسیر ائتلاف فراهم آورده است؛ اما در مسیر ائتلاف موانعی نیز وجود دارد که برخی از آن معطوف به روند تاریخی گذشته است که تاکنون تا حد زیادی به آن پرداخته شده است؛ اما به نظر می‌رسد در شرایط جدید مهم‌ترین آن، مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در امور داخلی عراق است.

این تحقیق به بررسی این مسئله می‌پردازد که مهم‌ترین ظرفیت‌ها و موانع موجود در مسیر گسترش همکاری‌ها و ائتلاف‌سازی سیاسی ایران و عراق جدید چیست؟

2- اهداف تحقیق:

از مهم‌ترین اهداف این تحقیق، بررسی و شناخت این مطلب است که ایران و عراق جدی‌د از چه ظرفیت‌ها و فرصت‌های متقابلی برای ائتلاف‌سازی با یکدیگر برخوردار هستند.

3- اهمیت و فایده تحقیق:

ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی ایران، جهت تأمین منافع کشور از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. افزایش قدرت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایران تا حدی درگرو دوستان و یاران منطقه‌ای است.

فایده پژوهش حاضر آن است تا تبیین‌نماییم که ظرفیت‌ها در ایران و عراق جدی‌د برای ائتلاف‌سازی و موانع آن کدام است و در صورت فعال‌سازی ظرفیت‌ها و کنترل و رفع موانع، می‌توان به یکی از راهبردهای مناسب جهت تقویت قدرت ایران و تأمین منافع دو کشور دستیافت.

4- سوالات تحقیق:

سؤال اصلی: مهم‌ترین ظرفیت‌ها و موانع ایران و عراق جدی‌د، جهت دستیابی به ائتلاف سیاسی در سیاست خارجی کدام است؟

سوالات فرعی:

1- ماهیت و میزان همبستگی کشورهای ایران و عراق، از حیث تشابهات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی، جهت رسیدن به ائتلاف سیاسی از چه ظرفیت‌هایی برخوردار است؟

2- سطح قدرت دو کشور در منطقه‌ی خاورمیانه، جهت دستیابی به ائتلاف سیاسی از چه ظرفیت‌هایی برخوردار است؟

3- ساختار رقابت قدرت‌های درون منطقه‌ای باعث چه موانعی جهت دستیابی دو کشور به ائتلاف سیاسی می‌گردد؟

4- ماهیت ارتباط ایران و عراق، با نظام مسلط بر منطقه (قدرت‌های مداخله‌گر خارجی)، باعث چه موانعی جهت دستیابی به ائتلاف سیاسی می‌گردد؟

5- فرضیات تحقیق:

در پاسخ به سؤالات تحقیق، می توان فرضیات تحقیق را بدین ترتیب مطرح نمود که ماهیت و میزان همبستگی ایران و عراق جدی د و سطح قدرت منطقه ای آنها، تأثیر مثبتی بر ائتلاف سازی دو کشور دارد و از مهم ترین ظرفیت های دو کشور جهت دستیابی به ائتلاف سیاسی است. از سوی دیگر، ساختار رقابت قدرت های درون منطقه ای و ماهیت ارتباط ایران و عراق جدی د با نظام مسلط بر منطقه خاورمیانه، تأثیر منفی بر ائتلاف سازی ایران و عراق جدی د دارد و از مهم ترین موانع جهت دستیابی دو کشور به ائتلاف سیاسی است.¹

6- پیش فرض های تحقیق:

کشورهای ایران و عراق، از قابلیت های بسیار بالایی جهت ایفای نقش مؤثر در منطقه برخوردارند. از طریق دیپلماسی فعال، می توان نقش های نوینی برای ایران و عراق در منطقه ترسیم نمود.

7- شیوه جمع آوری اطلاعات و روش تحقیق:

شیوه جمع آوری اطلاعات تحقیق، کتابخانه ای است یعنی با مراجعه به منابعی همچون کتب، مجلات و اینترنت، آمار و اطلاعات لازم به دست آمده است؛ و روش تحقیق، توصیفی و تا حدودی تحلیلی و تبیینی است.

8- چهارچوب نظری تحقیق:

درباره ائتلاف سازی ایران با کشورهای همسایه که دستخوش عدم توسعه یافتگی می باشند. یک دیدگاه این است که امکان ائتلاف سازی وجود ندارد؛ زیرا مکملیت اقتصادی میان ایران و این کشورها نیست. این دیدگاه را می توان در کتاب "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف" نوشته دکتر محمود سریع القلم، مشاهده نمود. دیدگاه دیگر مربوط به نظریه های همگرایی منطقه ای است که می تواند در این تحقیق مورد استفاده قرار گیرد. در این نظریه ها تلاش می شود با

¹ بررسی روابط ایران و عراق، نشان دهنده وجود چالش های تاریخی در روابط دو جانبه است؛ که در این رساله مورد بحث و هدف نمی باشد، زیرا در این زمینه منابع کافی وجود دارد. هدف مطالعه حاضر، تقویت ظرفیت ها و بیان امکانات موجود در شرایط جدی د عراق پس از صدام است.

توجه به زمینه‌ها و نقاط مشترک، همگرایی می‌ان کشورها را به صورت هنجاری تجویز نمود. در این زمینه نظریه‌ی همگرایی منطقه‌ای کانتوری و اشیپ‌گل، می‌تواند چهارچوب مفهومی مناسبی را برای ما فراهم سازد. هدف از استفاده از این نظریه، انطباق بحث بر اساس آن نیست بلکه الگویی از محورهای مفهومی آن جهت پردازش ائتلاف‌سازی می‌ان ایران و عراق جدی‌د است. بنابراین تلاش می‌شود با الهام از این نظریه، جنبه‌های متعدد ائتلاف‌سازی سیاسی ایران و عراق جدی‌د تبیین شود.

9- پی‌شینه تحقیق:

تاکنون در مورد عراق جدی‌د (پس از صدام) و مناسبات ایران و عراق، کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع تحقیق منتشر شده که به توضیح مختصری پیرامون برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

از می‌ان کتاب‌های منتشره، دو کتاب سیاست خارجی ایران در عراق جدی‌د-ایران، عراق جدی‌د و نظام سیاسی-امنیتی خلیج فارس، توسط کی‌هان برزگر به نگارش در آمده است. برزگر، در کتاب سیاست خارجی ایران در عراق جدی‌د، تغییر رژیم بعثی و بروز تحولات جدید که منجر به تغییر ماهیت و ویژگی‌های جدید در ساخت قدرت و سیاست عراق گردیده را نقطه عطفی در روابط دو کشور همسایه به حساب آورده و معتقد است که برای اولین بار تأکید بر اشتراکات و زمینه‌های فرصت‌سازی در کنار چالش‌های موجود، معیار برقراری روابط ایران و عراق شده است. وی در بخش سوم این کتاب، زمینه‌های فرصت‌سازی در سطح روابط دوجانبه، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور را مورد بررسی قرار داده و بر این باور است که ایران و عراق جدی‌د، به لحاظ

استراتژی‌ک می‌توانند به متحدی کدی‌گر تبدیل شوند.¹

کی‌هان برزگر، در کتاب دی‌گرش با عنوان «ایران، عراق جدی‌د و نظام سیاسی-امنیتی خلیج فارس» نیز سعی در تجزیه و تحلیل تغیریات ساخت قدرت و سیاست در عراق و تأثیریات آن در ساختار ژئوپلیتیکی و نظام سیاسی-امنیتی خلیج فارس و همچنین نقش بازی‌گران مهم منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای همچون ایران و آمریکا در این فرآیند دارد. از میان هشت فصل کتاب، نویسنده در فصل سوم و چهارم، به تجزیه و تحلیل

¹ کی‌هان برزگر، سیاست خارجی ایران در عراق جدی‌د، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات استراتژی‌ک مجمع تشخیص مصلحت نظام، 1386.

چالش‌ها و فرصت‌های عراق جدید برای منافع و امنیت ملی ایران پرداخته و معتقد است که تقویت و حمایت جمهوری اسلامی ایران از نقش عنصر شیعه در عراق جدید نه فقط بر اساس تقویت زمینه‌های ای‌دئولوژیکی، بلکه در جهت ائتلاف‌سازی و استراتژیک کردن نقش شیعیان در تحولات قدرت و سیاست منطقه و از این طریق، تثبیت و تقویت نقش ایران در منطقه خلیج فارس و در چهارچوب شکل‌دهی یک نظام سیاسی-امنیتی جدید در این منطقه قابل تعریف و ارزیابی است و از این لحاظ، ایران و عراق به عنوان دو بازیگر مهم منطقه خلیج فارس، باید سهم عمده‌ای در نظام سیاسی-امنیتی این منطقه داشته باشند.¹

پژوهش دی‌گر با عنوان «عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای»، تألیف علی‌اکبر اسدی است که از دید وی، با توجه به اهمیت تحولات عراق پس از صدام و پیامدهای منطقه‌ای آن برای کشورهای منطقه که منجر به رویکردهای متفاوتی از سوی هر یک از آنان در این خصوص شده است، در این پژوهش به بررسی مجموعه مباحث مربوط به رویکرد بازیگران منطقه‌ای در قبال این تحولات و محورهای مرتبط با آن پرداخته شده است. از میان هشت بخش کتاب، در بخش اول به رویکرد دو بازیگر خارجی اصلی تحولات عراق، یعنی آمریکا و ایران پرداخته شده و نوع بازیگری آن‌ها در تحولات عراق پس از صدام، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بخش‌های بعدی نیز سیاست‌های ترکیه، عربستان، اسرائیل، اردن و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس در قبال عراق پس از صدام و متغیرهای مرتبط با آن مورد بررسی قرار گرفته است.²

چهارمین کتاب، تحت عنوان «پژوهش و بررسی روابط سیاسی ایران و عراق جدید در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد» که توسط علی‌دالله دهقان گردآوری شده است، به بررسی مناسبات کنونی دو کشور پرداخته و ماهیت رابطه ایران و عراق را در دوران پس از صدام، متأثر از دو مجموعه عوامل واگرا و همگرا دانسته است. از دید نویسنده، در صدر عوامل واگرا می‌توان به فشارهای کشورهای عرب منطقه بر کشور عراق و همچنین فشار آمریکا و اسرائیل بر این کشور اشاره نمود و در محور عوامل و ابزارهای همگرا، می‌توان به موضوعاتی

¹. کیهان برزگر، ایران، عراق جدید و نظام سیاسی-امنیتی خلیج فارس، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم، 1387.

². علی‌اکبر اسدی، عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای (پژوهشنامه شماره 12)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، تیر 1387.

همچون دین و مذهب، مدی‌ریت دادن به مسئله کردها، امنیت و ثبات منطقه‌ای و همچنین مسئله نفت، اشاره نمود. بخش دوم کتاب، حاوی چهار فصل است که به بررسی روابط ایران و عراق در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد و مهم‌ترین دلایل بهبود روابط دو کشور در این دوران و عوامل همگرایی و واگرایی روابط دو کشور پرداخته است.¹

از میان مقالات منتشر شده نیز می‌توان به چند نمونه ذیل که با موضوع تحقیق تا حدودی مرتبط هستند، اشاره کرد. سیروس برنا بلداجی، در مقاله‌ای با عنوان «روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین (چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)»، پس از مروری بر مناسبات دوجانبه و به‌ویژه مبانی همبستگی تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک میان نظام جمهوری اسلامی ایران و عراق، به ارزیابی وضعیت روابط دوجانبه، مهم‌ترین چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران، در برابر تحولات کنونی عراق نوین و آثار ناشی از آن، بر امنیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته و در فراز پایانی بحث خود، بایدها و نبایدهای رفتاری نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان راهکارهای پیشنهادی ارائه نموده است.²

مقاله‌ی دیگر با عنوان «خاورمیانه، عراق جدید و ایران»، به‌وسیله محمد اکرمی‌نی‌با به نگارش درآمده است که در آن به بررسی سیر تحولات عوامل مهم ژئوپلیتیکی عراق و نقش ژئوپلیتیکی عراق جدید در روند همگرایی با ایران پرداخته شده است. از نظر اکرمی‌نی‌با، با ظهور عراق جدید و با توجه به اشتراکات فراوان قومی، مذهبی، تاریخی و اقتصادی، روابط دو کشور ایران و عراق می‌تواند روند همگرایی را با شتاب مناسب طی نماید.³

محمد سلامی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تعارضات و منابع تنش در مناسبات ایران و عراق پس از صدام»، با استفاده از نظریه واقع‌گرایی تدافعی به‌عنوان چهارچوب نظری، به تبیین و بررسی منابع تنش و اختلافات جمهوری اسلامی ایران و عراق پس از صدام پرداخته است. وی معتقد است که با روحیه تساهل و درک یکدیگر، می‌توان منابع تنش

¹ سی‌دالله دهقان، پژوهش و بررسی روابط سیاسی ایران و عراق جدید در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، 1389.

² سیروس برنا بلداجی، روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین (چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)، مجلس و پژوهش، سال دوازدهم، شماره 49 و 50، پاییز و زمستان 1384.

³ محمد اکرمی‌نی‌با، خاورمیانه، عراق جدید و ایران، باشگاه اندیشه، 1388/03/05، قابل دسترسی در:

<http://www.bashgah.net/fa/content/show/33373>

احتمالی دو کشور در منطقه خلیج فارس و چالش‌های موجود در روابط دو کشور را کاهش داده و رقابت متعارض و اختلاف‌انگیزی کدی‌گر را به رقابت سالم و سازنده تبدیلی کرد.¹

آخرین پژوهشی که بدان اشاره می‌شود، مقاله‌ای با عنوان «روابط ایران و عراق پس از صدام؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» است که توسط ی‌عقوب توکلی و بهزاد قاسمی به نگارش درآمده است. نویسنده‌گان، دو شاخص (فرصت‌ها و چالش‌ها) را به‌عنوان متغیر مستقل و سطح همکاری، روابط و چشم‌اندازهای دو کشور ایران و عراق را به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار داده‌اند. به‌عبارت‌دی‌گر، آن‌ها معتقد هستند که هرچه از فرصت‌های ایجادشده در فضای کنونی روابط ایران و عراق پس از صدام بی‌شتر بهره‌برداری شود، این امر منجر به کاهش عوامل تنش‌زا مانند نفوذ سلفی‌گری در عراق شده و در صورت تشدید نفوذ عوامل خارجی، بستر برای رشد موانع امنیتی، اقتصادی و... در روابط دو کشور ایجاد خواهد شد.²

به هر روی، هرکدام از پژوهش‌های ذکرشده مزیت‌های خاص خود را داشته؛ لیکن تحقیق پیش‌رو، درصدد تبیین ظرفیت‌ها و موانع موجود میان دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق جدی‌د از حیث بررسی راهبرد ائتلاف‌سازی است و با توجه به این مطلب که این تحقیق در صدد ایجاد ادبیات جدی‌دی در بررسی روابط ایران و عراق است که در آن ضعف‌های روابط دو کشور دی‌ده نشود، از این رو از پرداختن به چالش‌های تاریخی موجود در روابط فی‌مابین اجتناب شده و تعمداً موانع ائتلاف‌سازی دو کشور به‌غیر از آن دو (قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) نسبت داده شده است.

10- سازماندهی تحقیق:

این تحقیق با موضوع «ظرفیت‌ها و موانع راهبرد ائتلاف‌سازی ایران و عراق جدی‌د»، در سه فصل نگاشته شده است. فصل اول از دو گفتار مفاهیم و چهارچوب نظری تشکیل شده است. در گفتار اول، به تعریف مفاهیمی همچون استراتژی، سیاست خارجی، اهداف سیاست خارجی، استراتژی‌های اساسی در سیاست خارجی از قبیل انزواگرایی، بی‌طرفی، عدم تعهد و استراتژی ائتلاف و اتحاد و... پرداخته شده است. گفتار دوم این فصل، به تبیین

¹ محمد سلامی، تعارضات و منابع تنش در مناسبات ایران و عراق پس از صدام، فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره‌ی 1، بهار 1390.

² ی‌عقوب توکلی، بهزاد قاسمی، محمد سید احمدی، روابط ایران و عراق پس از صدام؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه‌ی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال دوم، تابستان 1392.

چهارچوب نظری مورد استفاده در تحقیق اختصاص یافته است و بدین منظور به دیدگاه‌های کانتوری و اشیپی‌گل در بحث همگرایی منطقه‌ای اشاره شده است.

فصل دوم، ظرفیت‌های ایران و عراق جدید جهت رسیدن به ائتلاف سیاسی در سیاست خارجی را در دو گفتار ذیل مورد بررسی قرار می‌دهد:

1- ماهیت و میزان همبستگی دو کشور (بررسی تشابهات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی)؛

2- سطح قدرت دو کشور؛

در فصل سوم نیز موانع ایران و عراق جهت رسیدن به ائتلاف سیاسی، در دو گفتار ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

1- ساختار رقابت قدرت‌های درون منطقه‌ای در منطقه خاورمیانه؛

2- قدرت‌های مداخله‌گر خارجی؛

در پایان نیز به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مباحث مطروحه در این تحقیق پرداخته شده است.



فصل اول:

مفاهیم و چهارچوب نظری

از آنجایی که هر نوع تحقیق در علوم انسانی مبتنی بر تعریف مفاهیم و مباحث نظری است؛ در این فصل به بررسی مفاهیم و چهارچوب نظری تحقیق خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مفاهیم

1- سیاست خارجی¹

سیاست خارجی، یکی از واژه‌های کلیدی و مهم سیاسی است که نیازمند تعریف دقیق و مشخصی است. در کتاب فرهنگ علوم سیاسی، سیاست خارجی را سیاستی که دولت در عمل متقابلش با دیگر دولت‌ها و خلق‌ها دانسته‌اند.² در تعبیر دیگری، "سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش‌طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود از آن دستیابی به اهداف معین در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است."³ از سوی دیگری، سیاست خارجی مجموعه موضوع‌گیری‌ها، اقدامات و تصمیماتی است که دولت‌های ملی نسبت به یکدیگر و یا نسبت به سازمان‌های بین‌المللی اتخاذ می‌کنند و هدف اصلی آن‌ها تأمین منافع دولت ملی به‌عنوان واحدی یکپارچه است.⁴ در کل با توجه به تعاریف صورت گرفته از سیاست خارجی، می‌توان آن را جهت‌گیری و اقدامات یک دولت در عرصه بین‌المللی در جهت تأمین اهداف ملی و برآورده ساختن منافع ملی دانست.

¹. Foreign Policy.

². علی آقا بخشی - می‌نو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، 1383، ص 250.

³. محمدحسین خوشوقت، تجزی و تحلیلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1385، ص 145.

⁴. حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، چاپ هفتم، تهران، موسسه پژوهشی نگاه معاصر، 1386، ص 215.

2- اهداف سیاست خارجی¹

با توجه به تعریفی که از سیاست خارجی گردید، دولت‌ها در موضع‌گیری و اقدامات با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی درصدد تأمین یک سری اهداف می‌باشند که از آن به اهداف سیاست خارجی یاد می‌کنند. محمدحسین خوشوقت، اهداف سیاست خارجی را حاصل تحلیل مقاصد² و وسایل³ نیل به اهداف می‌داند.⁴ به تعبیر دیگر، "خواست‌ها و نیازهای امنیتی، استراتژیک، اقتصادی، سیاسی و... اهداف سیاست خارجی یک دولت می‌باشند."⁵ در مجموع، می‌توان اهداف سیاست خارجی را مسائل و ارزش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... دانست که یک کشور در موضع‌گیری و اقدامات خود درصدد دستیابی و تأمین آن است. البته اهداف سیاست خارجی چه کوتاه‌مدت،⁶ می‌ان‌مدت⁷ و بلندمدت⁸ باشد، به صورت کامل همه‌ی آن ثابت نیست بلکه به‌مرور زمان اهداف سیاست خارجی با توجه به نیاز و شرایط تغیری می‌کند و دولت‌ها درصدد دستیابی به اهداف تازه سیاست خارجی در جهت‌گیری‌های خارجی خود می‌باشند.

3- راهبرد (استراتژی)⁹

این واژه قبل از آن که یک واژه سیاسی باشد، یک واژه نظامی است که در مسائل جنگ و کاربرد اصول و قواعد جنگی بکار می‌رود. به لحاظ ریشه‌شناسی، واژه "راهبرد" (استراتژی) از کلمه یونانی strategos مشتق شده است که به معنی ژنرال ارتش است.¹⁰ راهبرد در مفهوم نظامی عبارت است از "هنر و علم به کارگیری منابع در جنگ در راستای تأمین بی‌شتری‌ن حملات از سیاست ملی در جهت افزایش احتمال پیروزی و پیامدهای مساعد آن می‌باشد."¹¹ درجای دی‌گر آن را در اصطلاح نظامی به هنر طراحی و

1. Foreign Policy Objectives.

2. Ends.

3. Means.

4. محمدحسین خوشوقت، همان، ص 153.

5. عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ پانزدهم، تهران، سمت، 1388، ص 108.

6. Short -Range Objectives.

7. Middle - Range Objectives.

8. Long -Range Objectives.

9. Strategy.

10. علی‌رضا ازغندی- جلی‌ل روشندل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، چاپ دوازدهم، تهران، سمت، 1390، ص 5.

11. همان.

آرایش نظامی در تمام مراحل جنگ اطلاق کرده‌اند که معمولاً توسط فرماندهان عالی‌رتبه و ستاد ارتش طرح‌ریزی می‌شود.¹ اما این واژه در مفهوم سیاسی‌اش که در این تحقیق بر آن تأکید می‌شود، دارای تعاریفی از زوایای مختلف سیاسی است که می‌توان به این موارد اشاره نمود: «استراتژی در امور سیاسی به تعینی خط‌مشی کلی یک کشور یا سازمان و یا حزب که برنامه بلندمدت آن را مشخص می‌کند، اطلاق می‌شود.»² عبدالعلی قوام، آن را چنین تعریف می‌کند: معمولاً دولت‌ها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و نیز تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌الملل، جهت‌گیری‌های ویژه‌ای دارند که هدف آن تأمین منافع ملی خویش است که به آن استراتژی می‌گویند.³ جان. ام کالینز، راهبرد را به معنی به‌کارگیری قدرت ملی به منظور برآوردن مقاصد امنیت ملی می‌داند.⁴ هالستی، آن را سمت‌گیری کامل سیاست خارجی کشورها تعبیر می‌کند.⁵ به نظر می‌رسد که کلی‌ترین و رساترین تعریف، تعریف ذیل است:

«استراتژی، بسیج همه‌ی امکانات و تعییر دادن شرایط در جهت مناسب برای رسیدن به یک هدف اساسی است.»⁶

4- ائتلاف⁷

این واژه، اشاره به روندی دارد که در آن کنشگران و گروه‌های سیاسی برای رسیدن به هدفی مشخص گرد هم می‌آیند. در کتاب فرهنگ علوم سیاسی، ائتلاف چنین تعریف شده است: به توافق موقت احزاب و گروه‌های سیاسی به منظور رسیدن به هدف‌های سیاسی و پارلمانی، ائتلاف گفته می‌شود.⁸ به عبارت دیگر، ائتلاف به معنای همکاری یا اتحاد

¹ علی آقا بخشی - می‌نو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص 660.

² همان، ص 660.

³ عبدالعلی قوام، همان، ص 146.

⁴ جان. ام کالینز، استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها، ترجمه کورش بلی‌ندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1388، صص 21-33.

⁵ حسین سیف زاده، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، چاپ چهارم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1384، ص 94.

⁶ داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی (اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، چاپ پانزدهم، تهران، مروارید، 1387، ص 26.

⁷ Coalition.

⁸ علی آقا بخشی - می‌نو افشاری راد، همان، ج 1، ص 24.

موقتی چند حزب و گروه سیاسی برای نیل به هدف واحدی است.¹ جولیوس گولد- ویلیام کولب، درباره‌ی این مفهوم می‌نویسند: "ائتلاف به معنی اتحاد موقت گروه‌ها و نیروهای سیاسی است که هدف‌های معینی را دنبال می‌کنند... این اصطلاح، غالباً در ارتباط با احزاب سیاسی، بخصوص در نظام‌های چندحزبی به کار می‌رود... ائتلاف حزبی معمولاً برای هدف پارلمانی، تشکیل یا حفظ حکومت صورت می‌پذیرد و هدف دولت‌های ائتلافی اعلام وحدت در بحرانی سیاسی یا اتخاذ زمینه‌های سیاسی مشابه است... همچنین ممکن است که ائتلاف با هدف شکست دادن دولت صورت پذیرد و یا به ترکیب احزاب سیاسی برای هدف‌های انتخاباتی اشاره کند... ائتلاف همچنین شایعاً به ترکیب‌هایی از دولت‌های ملی اشاره کند که برای انجام عملی مشترک صورت می‌پذیرد."²

هرچند بی‌شتری کاربرد ائتلاف در سطح داخلی کشورها و در رابطه با احزاب سیاسی است؛ اما واژه ائتلاف در سیاست خارجی کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و دولت‌هایی که دارای منافع مشترک و استراتژی یک می‌باشند، در دستیابی به اهداف مهم، به ائتلاف‌سازی نی‌ازمندند و قادرند روابط خود را در سطح ائتلاف تعریف کنند. ائتلاف در سیاست خارجی کشورها، به معنای درجه مهمی از همسویی است که می‌تواند دو یا چند کشور را در مسیر تحقق بخشی‌دن به اهداف مهمی سوق دهد.³ در این تحقیق نیز منظور از ائتلاف، هم‌پیمانی و اتحاد استراتژیک و پایدار میان دو یا چند کشور بر اساس اهداف مشترک سیاسی، اقتصادی، نظامی و... با نیت افزایش قدرت، امنیت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی هر یک از آنان است.

5- راهبردهای رایج در سیاست خارجی

دولت‌ها در راستای تأمین اهداف و منافع ملی خود، از راهبردهای مختلفی بهره می‌برند که رایج‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: انزوایی، بی‌طرفی، عدم تعهد، اتحاد و ائتلاف.

¹ محمود مهرداد، فرهنگ جدید سیاسی، ص 14؛ غلام‌حسین صدری، فرهنگ زبان فارسی امروز، ص 1.

² جولیوس گولد - ویلیام کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجمان: مصطفی ازکیا و دی‌گران، چاپ اول، تهران، مازیار، 1376، ص 19.

³ محمود سرب‌القلم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، چاپ اول، تهران، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک، 1379، ص 55.

1-5 انزواطلبی¹

انزواطلبی در پیش گرفتن سیاستی است که یک کشور قطع رابطه نزدیکی با کشورهای دی‌گر را رسماً راهبرد سیاست خارجی خویش قرار می‌دهد و بدین ترتیب سعی می‌کند به منظور تأمین اهداف و منافع ملی، از هرگونه دخالت در کشمکش‌ها و درگیری‌های موجود در صحنه بین‌المللی دوری سازد.²

استراتژی انزوا، مبتنی بر مشخصاتی همچون سطح نازل درگیری در بیشتر زمینه‌های موضوعی مطرح در نظام بین‌الملل، قلّت مرادفات دی‌پلماتیک یا تجاری با دی‌گر جوامع و واحدهای سیاسی و تلاش برای بستن دروازه‌های کشور بر روی شکل‌های گوناگون نفوذ خارجی است.³

برای این راهبرد تعاریفی صورت پذیرفته است. برخی انزواطلبی را زمانی می‌دانند که "یک دولت مرادفات دی‌پلماتیک (سی‌اسی)، فرهنگی، اقتصادی و نظامی با سایر واحدهای سیاسی را به حداقل برساند."³ به تعبیر دی‌گر، "انزواطلبی عبارت است از دخالت حداقلی در مسائل نظام بین‌الملل، روابط دی‌پلماتیک یا تجاری بسیار محدود با سایر جوامع و واحدهای سیاسی و کوشش برای جلوگیری از نفوذ کشورهای خارجی."⁴ در کل، می‌توان آن را این‌گونه تعریف نمود: انزواطلبی راهبردی است که در آن کشور انزواطلب نگاهش به درون مرزهای جغرافیایی خویش، جهت تقویت پایه‌های قدرت داخلی که شامل اقتصاد، سیاست، فرهنگ و مسائل نظامی می‌شود است تا شاید از این طریق بتواند اهداف و منافع ملی خویش را بهتر حفظ نماید. البته با توجه به روند رو به افزایش جهانی‌شدن و وابستگی متقابل کشورها، عملاً در حال حاضر امکان اتخاذ این راهبرد در سیاست خارجی کشورها وجود ندارد.

¹. Isolationism.

². کی‌جی هالستی، مبانی تحلیلی سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقی‌می و مسعود طارم سری، تهران، وزارت امور خارجه، 1373، ص 167.

³. عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، ص 172.

⁴. علی‌رضا ازغندی - جلیل روشندل، همان، ص 139.

2-5 بی طرفی¹

یکی دی‌گر از راهبردهای مهم در سیاست خارجی، بی‌طرفی است. بر اساس بی‌طرفی تعریف سنتی، "دولت بی‌طرف دولتی است که استقلال سیاسی و تمامیت ارضی آن بر اساس یک توافق دسته‌جمعی توسط قدرت‌های بزرگ تضمین شده باشد، مشروط بر اینکه دولت مزبور از نیروهای نظامی خود، مگر در حالتی که جنبه تدافعی داشته باشد علی‌ه دی‌گران استفاده نکند."² درجای بی‌طرفی، منظور از بی‌طرفی را وضعیت حقوقی بی‌طرفی دولت در طول مخاصمات مسلحانه دانسته‌اند.³ در برخی موارد به این مطلب اشاره شده است که راهبرد بی‌طرفی را خاص آن دسته از بازی‌گران دانسته‌اند که هیچ‌گونه بلندپروازی نظامی ندارند.⁴ با همه تعاریف صورت گرفته از بی‌طرفی، می‌توان آن را چنین تعریف کرد: بی‌طرفی نوعی سمت‌گیری در سیاست خارجی است که دولت اتخاذکننده در زمان مناقشات مسلحانه، توانایی‌های نظامی و حمایت دی‌پلماتیک خود را علی‌ه یکی از دولت‌های متخاصم به کار نخواهد گرفت.

3-5 عدم تعهد⁵

عدم تعهد، روشی در سیاست خارجی است که هوادار عدم تعهد نسبت به بلوک‌های قدرت است و در روابط خارجی بر استقلال و آزادی، انتخاب و عمل، تأکید می‌ورزد. این سیاست یعنی نپیوستن به بلوک‌ها و در عین حال، برقراری روابط دوستانه با تمام کشورها به نحوی که بتوان تعدی ملی در صحنه بین‌المللی ایجاد کرد.⁶ عبدالعلی قوام درباره نحوه شکل‌گیری این راهبرد می‌نویسد: "به دنبال جنگ جهانی دوم، شکل‌گیری نظام دوقطبی، بلوک‌بندی‌ها، برقراری سیستم موازنه جدید قدرت و اوج‌گیری جنگ سرد در سیاست بین‌الملل، گروهی از ملل نوحاصله آفرین‌قایی و آسیایی را بر آن داشت تا به منظور

¹. Neutrality.

². عبدالعلی قوام، همان، ص 146.

³. علی‌رضا ازغندی - جلیل روشندل، همان، ص 142.

⁴. حسینی سیف زاده، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ص 102.

⁵. Non-Alignment.

⁶. حسینی جمالی، تاریخ اصول و روابط بین‌الملل، قم، مرکز تحقیقات اسلامی، 1382، ص 277.

کناره‌گیری از دسته‌بندی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی و دوری از وابستگی به بلوک‌های شرق و غرب، سیاست‌های مستقلی در روابط بین‌الملل در پیش‌گیری‌ها¹.

کشورهای اتخاذکننده این راهبرد، با توجه به تجربه تلخ استعمار و آثار زیان‌بار آن گرد هم آمدند تا جنبش عدم تعهد را بر اساس نفی هرگونه وابستگی به دو بلوک عمده قدرت بنیان نهند. این کشورها قبل از آنکه درصدد شکل‌دهی و ایجاد یک بلوک جدید در نظام بین‌الملل باشند، درصدد آن بودند تا با از بین بردن بلوک‌بندی‌ها آغازگر راهی برای آزادی و استقلال کشورهای عضو باشند. این راهبرد، مبتنی بر اصول ذیل است:

الف) همکاری و دوستی میان کشورهای جهان سوم هرچه بیشتر افزایش یابد.

ب) تنش و تخاصم در روابط بین‌المللی عمده کاهش یافته و محیط بین‌المللی مساعدی برای حفظ صلح و امنیت جهانی فراهم گردد.

ج) با عدم وابستگی به بلوک‌های قدرت، سیاست بی‌طرفی مثبت اختیار کرده تا از این طریق هم‌زمینه‌های حفظ استقلال و آزادی کشورهای جهان سوم مهیا گردد و هم در موازنه قدرت بین‌المللی، نقشی معادله‌دهنده برای این دولت‌ها ایجاد شود.²

با فروپاشی نظام دوقطبی و پایان یافتن جنگ سرد، از اهمیت این راهبرد در عرصه بین‌المللی کاسته شده است.

4-5 اتحاد و ائتلاف

راهبردهای اتحاد و ائتلاف، با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند؛ به دلایل تهدید مشترک امنیتی، منافع مشترک اقتصادی و همبستگی‌های جغرافیایی اتخاذ می‌شوند. "برداشت از تهدید و عدم امنیت احتمالاً سرچشمه اصلی تشکیل بیشتر اتحادیه‌های نظامی است؛ اما اهداف اقتصادی مشترک یا مکمل، بنیان ائتلاف‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد."³

"راهبردهای ائتلاف‌های سیاسی و اتحادیه‌های نظامی را حکومت‌هایی اختیار می‌کنند که معتقدند با تجهیز توانایی‌های خود به‌تنهایی نمی‌توانند به هدف‌هایشان دست یابند، از

¹ عبدالعلی قوام، همان، ص 161.

² حسینی جمالی، همان، ص 277.

³ علی‌رضا ازغندی - جلیل روشندل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، ص 149.

منافع خود دفاع کنند یا از تهدیدات احتمالی جلوگیری کنند.¹ از این رو، آنان با دولت‌های دی‌گری که با مسائل خارجی مشابهی دست‌به‌گریبان‌اند، مشارکت می‌کنند و تعهدات متقابلی را می‌پذیرند. عبدالعلی قوام، در این باره می‌نویسد: "به‌طور کلی علت عمده متعهد شدن واحدهای سیاسی به یکدیگر، افزایش نفوذ دی‌پلماتیک و ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت و تحقق هدف‌ها و منافع ملی از طریق ترکیب توانایی‌ها، به‌ویژه توانایی‌های اقتصادی و نظامی است."²

نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد این است که: نحوه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل در انتخاب اتحاد یا ائتلاف نقشی اساسی را ایفا می‌کند. اگر توزیع قدرت در نظام بین‌الملل متمرکز باشد؛ یعنی بلوک‌بندی‌های کمتری در نظام بین‌الملل وجود داشته باشد، در این صورت کشورها نسبت به راهبرد اتحاد و حضور در اتحادیه‌های دائمی‌تر گرایش بیشتری دارند؛ و هراندازه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل پراکنده‌تر باشد و اهداف دولت‌ها جنبه حفظ منافع و نیازهای خاص را داشته باشد، تمایل به راهبرد ائتلاف در میان کشورها بیشتر است. علی‌رضا ازغندی و جلیل روشندل، در این باره می‌نویسند: "در نظام‌های دوقطبی منعطف و غیر منعطف، اتحادیه‌ها جنبه‌ی دائمی‌تری می‌یابند و اعضای کوچک‌تر اتحاد نمی‌توانند به‌آسانی از آن جدا شوند."³ هالستی نیز معتقد است: "اتحادیه‌های مبتنی بر بلوک مدتی باقی می‌ماند؛ زیرا از هم پاشیدن آن‌ها معمولاً شکاف عمیق ای‌دئولوژیکی میان رهبران بلوک را نمایان می‌سازد و نه فقط رقابت دودمانی و بازرگانی را."⁴

آنچه مسلم است، فروپاشی وضعیت دوقطبی دوران جنگ سرد در اوایل دهه 1990 و تغییری ساختارهای نظام بین‌الملل، بر اهمیت راهبرد ائتلاف در عرصه‌ی بین‌المللی افزوده است. به نظر می‌رسد که این راهبرد نقشی اساسی در جهت تأمین اهداف سیاست خارجی کشورهای مختلف داشته باشد؛ زیرا در عرصه‌ی بین‌الملل هیچ بازی‌گری وجود ندارد که تمامی اهداف سیاست خارجی خود را از طریق قابلیت‌های درون ساختی خود تأمین کند. از همین رو، در این تحقیق به بررسی راهبرد ائتلاف جمهوری اسلامی ایران و عراق جدی‌خواهی هم‌پرداخت و هدف این است که نشان دهیم دو کشور دارای چه ظرفیت‌ها و

1. کی. جی هالستی، مبانی تحلیلی سیاست بین‌الملل، همان، ص 180.

2. عبدالعلی قوام، همان، ص 181

3. علی‌رضا ازغندی - جلیل روشندل، همان، ص 148.

4. کی. جی هالستی، همان، صص 180-181.

قابلیت‌هایی برای دستیابی به ائتلاف پایدار می‌باشند تا از طریق فعال‌سازی ظرفیت‌های آن، سطح قدرت دو کشور افزایش یابد و بتوانند در ساختار قدرت منطقه‌ای ای‌فاگر نقش باشند.

گفتار دوم: چهارچوب نظری

یکی از نظریه‌های مهم همگرایی، نظریه‌ی لوئیس کانتوری و استیون اشپیگل است که تلاش می‌شود از ادبیات مفهومی آن در این رساله استفاده شود. این دو پژوهشگر، چهار متغیر الگوی¹ را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر درون منطقه‌ای برمی‌شمارند که به کمک آن‌ها می‌توان می‌زان همگرایی می‌ان دو کشور و ای‌چند کشور را در یک منطقه شناسایی نمود. این چهار متغیر الگوی عبارت‌اند از:

1- ماهیت و می‌زان همبستگی؛ 2- ماهیت ارتباطات؛ 3- سطح قدرت؛ 4- ساختار

روابط؛

به نظر این دو پژوهشگر علاوه بر متغیرهای چهارگانه درون منطقه‌ای، نقش و نفوذ قدرت‌های برون منطقه‌ای و خارجی به‌عنوان «سیستم نفوذ گذار»² تأثیر بسیاری بر روند همگرایی منطقه‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که هرگونه تجزیه و تحلیل در مورد هر منطقه نشان می‌دهد که فقط کشورهای آن منطقه نیستند که به ای‌فای نقش می‌پردازند بلکه در نظام بین‌المللی، دولت‌های خارج از منطقه هم خود را در سی‌است بین‌الملل مناطق درگیری می‌سازند.³

الف: متغیرهای الگوی چهارگانه

بر اساس نظریه کانتوری و اشپیگل، متغیرهای الگوی شاخصه‌های مناسبی برای ارزیابی می‌زان همبستگی و ائتلاف می‌ان دولت‌های یک منطقه و سطح همگرایی در آن منطقه است.

¹. Pattern variables.

². Intrusive System.

³. الهام رسولی، نقش و تأثیر قدرت‌های خارجی در عدم همگرایی در می‌ان اعضای اگو، مطالعات آسی‌ای مرکزی و قفقاز، شماره 60، زمستان 1386، صص 171-172.

1- ماهیت و میزان همبستگی¹

منظور از میزان همبستگی، اندازه‌ی «مشابهت»² و نیز «مکمل بودن»³ واحدهای سیاسی یک منطقه است. از نظر کانتوری و اشیپ‌گل، همبستگی در یک منطقه را می‌توان با توجه به چهار جنبه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی بررسی کرد.

1-1 همبستگی اجتماعی

در اینجا به نقش عوامل قومیت، زبان، دین، فرهنگ، تاریخ و میراث مشترک پرداخته می‌شود و میزان مشابهت واحدهای سیاسی یک منطقه از جهات مذکور، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. هرچه میزان تشابه قومی، زبانی، دینی، فرهنگی و تاریخی میان ملت‌های یک منطقه بیشتر باشد، همبستگی اجتماعی میان آنها نیز قوی‌تر خواهد بود.

1-2 همبستگی اقتصادی

همبستگی اقتصادی، مشابهت ساختار اقتصادی و نیز مکمل بودن اقتصاد واحدهای سیاسی یک منطقه است. در مناطقی که کشورها دارای اقتصاد مکمل هستند، میزان همبستگی بیشتر از مناطقی است که به لحاظ اقتصادی رقیب یکدیگرند.

1-3 همبستگی سیاسی

منظور از همبستگی سیاسی این است که نظام‌های حکومتی منطقه تا چه اندازه مشابه و مکمل یکدیگرند. هرچه میزان تشابه و سازگاری رژیم‌های سیاسی یک منطقه بیشتر باشد، همبستگی در آن منطقه تقویت خواهد شد. تشابه نظام‌های سیاسی و حکومتی موجب می‌شود که آنها بر ارزش‌های یکسان تأکید کنند. همین امر در جهت‌گیری‌های سیاسی آنها تأثیر می‌گذارد و همسویی به وجود می‌آورد. نتیجه آنکه، همبستگی سیاسی در سطح گسترده و عالی امکان همکاری و همگرایی میان دولت‌های یک منطقه را فراهم می‌سازد.

1. Nature and Level of Cohesion.

2. Similarity.

3. Complementarity.

1-4 همبستگی سازمانی

منظور از همبستگی سازمانی این است که عضویت کشورها در سازمان ملل متحد و سایر سازمان منطقه‌ای تا چه اندازه موجب همبستگی در میان آنها می‌شود.

2- ماهیت ارتباطات¹

در ماهیت ارتباطات به چهار جنبه ارتباطات افراد (پست، تلفن و...)، وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه و...)، مبادله در میان نخبگان (مبادله دانشگاهی، دیپلماتیک) و شبکه‌های حمل و نقل (جاده‌ای، آبی، راه‌آهن، هوایی و...) توجه می‌شود. میزان و سطح بالا، متوسط و پایینی هر یک از این جنبه‌ها نشانگر میزان امکان همبستگی در یک منطقه است. در مناطقی که ارتباطات گسترده و عالی‌تری دارند، میزان همبستگی و همگرایی بیشتر از مناطقی است که ارتباطات چهارگانه آنها در سطح پایینی‌تری قرار دارد.

3- سطح قدرت²

قدرت به‌عنوان سومی متغیر الگوی، به توانایی بالقوه و بالفعل و همچنین قصد و اراده یک کشور در جهت تعیین روند تصمیم‌گیری داخلی دیگر کشورها به‌منظور تطبیق سیاست‌های آن کشورها با سیاست خود تعریف شده است. قدرت کشورها را می‌توان با توجه به عناصر مادی، نظامی و انگیزه‌های ارزیابی کرد. مناطقی که کشورهای آن از نظر قدرت ضعیف‌تر هستند، بیشتر تحت تأثیر قدرت‌های خارجی قرار دارند. نفوذ مؤثر قدرت‌های خارجی در یک منطقه می‌تواند در صورتی که روند همگرایی را همسو با منافع خود ندانند، با مشکل مواجه سازد.

از سوی دیگر، طبقه‌بندی کشورهای یک منطقه از نظر مؤلفه‌ی قدرت همراه با مشخص کردن چگونگی توزیع آن در سطح منطقه، جایگاه هر یک از کشورهای منطقه و میزان تأثیر و نقش آنها را در روند همگرایی منطقه‌ای آشکار می‌سازد. در مناطقی که قدرت منطقه‌ای برتری حضور دارد، با حمایت این قدرت روند همگرایی تقویت می‌شود. در صورتی که یک منطقه با نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای روبرو باشد، اگر این قدرت‌ها با

¹. Nature of Communications.

². Level of Power.

ی‌کدی‌گر به سازگاری برسند و مشابه و مکمل ی‌کدی‌گر باشند، امکان موفقیت روند همگرایی وجود دارد؛ اما در مناطقی که این قدرت‌ها هیچ‌گونه سازگاری با ی‌کدی‌گر ندارند، بلکه در رقابت با هم برای کسب موقعیت برتر منطقه‌ای به سر می‌برند، این امر همگرایی را مختل می‌کند و به‌جای آن رقابت‌های دائمی بروز می‌نماید. به‌طور کلی می‌توان کشورها را از نظر میزان قدرت و نفوذی که دارند به هفت دسته تقسیم نمود:

- 1- قدرت‌های درجه اول؛ 2- قدرت‌های درجه دوم؛ 3- قدرت متوسط؛ 4- قدرت‌های کوچک؛
- 5- دولت‌های منطقه‌ای؛ 6- دولت‌های ذره‌ای؛ 7- مستعمرات؛

4- ساختار روابط¹

متغیر الگوی چهارم، خصوصیات و ویژگی‌های روابط متقابل دولت‌های یک منطقه را مشخص می‌کند. آنچه در این متغیر الگوی مورد توجه واقع می‌شود، سه مسئله مهم است که عبارت‌اند از:

1-1- طیف روابط در یک منطقه

ساختار روابط میان دولت‌ها، طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که از همکاری نزدیکی به شکل بلوک شروع می‌شود و تا درگیری مستقیم نظامی امتداد می‌یابد. همکاری به سه شکل می‌تواند نمایان شود:

1- بلوک؛

2- بی‌مان‌ها و اتحادیه‌های نظامی؛

3- همکاری‌های محدود؛

رقابت کشورها نیز به سه شکل ظاهر می‌شود که با توجه به شدت آن‌ها از بی‌شتر به کمتر عبارت‌اند از:

1- درگیری مستقیم نظامی؛

2- بحران مستمر؛

3- بن‌بست؛

¹. Structure of relations.

بی-ن همکاری و رقابت، وضعی-ت متقابل آن است که دولت‌ها وضع موجود را می‌پذیرند و تلاشی برای تغییری در آن انجام نمی‌دهند. (وضعیت تعادل)

2-4 علل برقراری روابط کشورهای یک منطقه

روابط دولت‌ها همی‌شه و همه‌جا یکسان نیست. در روابط می‌ان آنان ممکن است از یک‌سو عواملی برای رقابت وجود داشته باشد و از طرفی، عواملی برای همکاری یافت شود؛ بنابراین بررسی اهمیت نسبی مسائلی که موجب رقابت و یا همکاری کشورهای یک منطقه می‌شوند، برای مطالعه سطح همگرایی در آن منطقه ضرورت دارد. زمانی که دولت‌های یک منطقه در حالت منازعه و ستیز با یکدیگر به سر می‌برند، ماهیت مسائل مورد منازعه، می‌زان و شدت منازعه را آشکار می‌کند. برای مثال منازعات مرزی یا اقتصادی، غالباً کمتر از رقابت‌های نژادی، مذهبی، ای‌دئولوژیکی و تاریخی به روابط دولت‌های یک منطقه آسیب می‌رساند.

در وضعیت حاضر، مسائل اقتصادی برای همکاری محرک قوی‌تری از پیوندهای مذهبی محسوب می‌شوند.

3-4 ابزارهای روابط

طیف روابط در یک منطقه، همچنین از طریق کاربری نوع ابزارها در روابط دولت‌ها نیز مشخص می‌شود. ابزارهای روابط به ما نشان می‌دهند که ماهیت روابط دولت‌ها چگونه است؛ بنابراین نوع تکنیکی یا ابزارها مانند توسل به اسلحه، جنگ‌های چریکی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات که در قالب دی‌پلماسی سنتی و یا به‌وسیله سازمان‌های بین‌المللی در روابط دولت‌های یک منطقه به‌کاربرده می‌شوند، به‌طور غیرمستقیم وضعیت روابط و طیف روابط موجود را نشان می‌دهند. مثلاً نوع جنگی که در یک منطقه جری‌ان دارد و یا نهادهایی که دولت‌ها برای همکاری ایجاد کرده‌اند، به ما کمک می‌کند که چگونگی روابط کشورهای یک منطقه را توضیح دهیم. می‌زان همکاری و رقابت می‌ان دولت‌های یک منطقه، با مطالعه ساختار روابط آن‌ها آشکار می‌شود که با توجه به آن می‌توانیم نتیجه بگیری‌م که روند جاری در یک منطقه بیشتر به‌سوی اقدامات جمعی و همکاری جوی‌انه سوق پیدا می‌کند و یا در جهت رقابت و ستیزه است.

ب: سیستم نفوذ گذار

با توجه به دیدگاه کانتوری و اشیپیگل، می توان برای هر منطقه (نظام تابع)، سه بخش عمده را در نظر گرفت:

1- بخش مرکزی
2- بخش پی رامونی
3- سیستم نفوذ گذار

1- بخش مرکزی¹

این بخش از یک یا چند کشور تشکیل شده است که مرکز ثقل سیستم بین المللی منطقه را شکل می دهند و نقش اصلی را در سیستم منطقه ای بازی می کنند. در منطقه خاورمیانه می توان کشورهای ایران، ترکیه و عربستان را به عنوان کشورهای اصلی یا مرکزی قلمداد نمود و در شرایط کنونی با توجه به وضعیت نابسامان عراق، این کشور در بخش پی رامونی قرار می گیرد و در صورتی که ایران و عراق بتوانند ائتلاف سیاسی موجود را گسترش داده و پایدار سازند، هر دو کشور می توانند به عنوان کشورهای محور در منطقه ای فای نقش نمایند.

2- بخش پی رامونی²

این بخش شامل تمامی کشورهای منطقه است که در یک نظام تابع به دلیل متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا سازمانی از بخش مرکزی حذف می گردند و در سیستم منطقه ای نقش جانبی را ایفا می کنند. سایر کشورهای منطقه خاورمیانه وجود دارند، مانند کشورهای حوزه ی جنوبی خلیج فارس، در قلمرو پی رامون محسوب می شوند. وضعیت نسبتاً ناپایدار مصر نیز باعث شده است که این کشور در قلمرو پی رامونی قرار گیرد، هر چند که از ظرفیتهای لازم برای پیوستن به مرکز برخوردار می باشد.

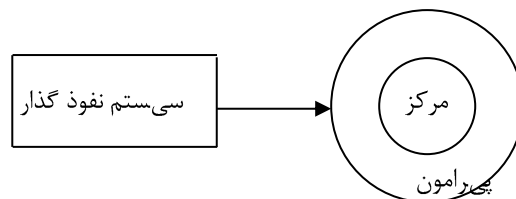
3- سیستم نفوذ گذار (قدرت های مداخله گر خارجی)

سیستم نفوذ گذار، اشاره به آن دسته قدرت های برون منطقه ای دارد که دارای نقش مشارکتی مهمی در یک منطقه هستند. در حالی که بخش مرکز- پی رامون، هر دو شامل

¹. Core Sector.

². Peripheral Sector.

کشورهای هستند که در درون منطقه قرار دارند ولی این تنها کشورهای مذکور نیستند که نقشی را در فعالیتهای نظام تابع بازی می کنند، بلکه کشورهای خارجی نیز یکی از اجزاء آن محسوب می شوند؛ زیرا منافع کشورهای قدرتمند تنها به مرزهای ملی آنها محدود نمی شود.

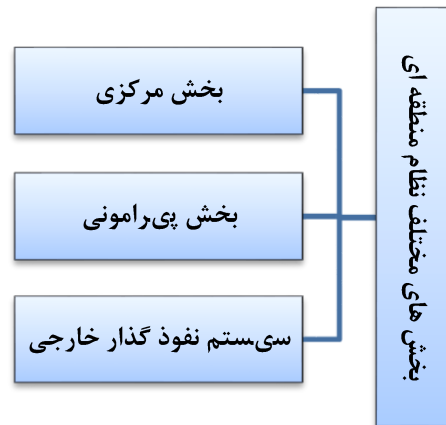


شکل 1. بخش های مختلف یک منطقه

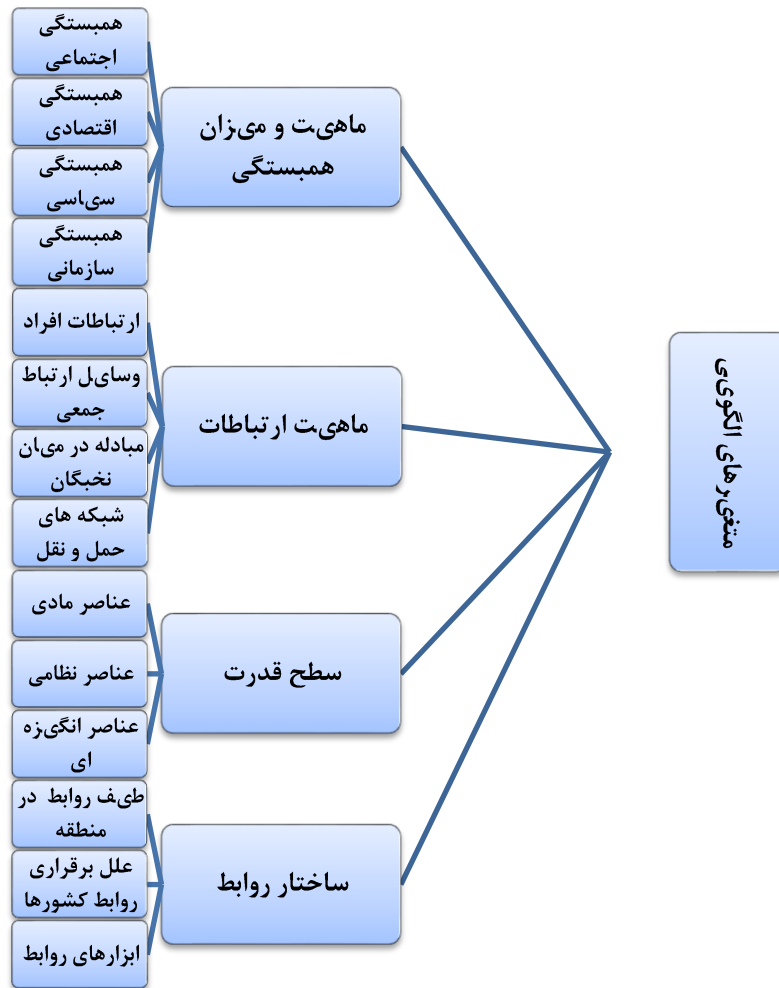
قدرت های برون منطقه ای و خارجی به عنوان «سیستم نفوذ گذار»، تأثیر بسیاری بر روند همگرایی منطقه ای دارند. مشارکت و ایفای نقش قدرت های خارجی در منطقه را از جهت تأثیری که دارند، به دودسته می توان تقسیم کرد. نخست، نقشی که از لحاظ سیاسی کم اهمیتی تلقی می شود و دوم، نقشی که از لحاظ سیاسی با اهمیتی به شمار می آید. «درگیری کم اهمیتی از نظر سیاسی»، شامل اقداماتی همچون کمک های مادی، سرمایه گذاری های اقتصادی و تلاش های فرهنگی و آموزشی است؛ و «درگیری با اهمیتی از نظر سیاسی»، به مشارکتی گفته می شود که از راه کمک های اقتصادی و نظامی، اتحاد رسمی و یا اعزام نیرو صورت می گیرد و ممکن است بر موازنه قدرت در منطقه تأثیر بگذارد و آن را دگرگون سازد.¹

با توجه به مطالب ذکر شده، چهارچوب نظری برگرفته از نظریه های کانتوری و اشیپی گل را می توان به صورت زیر تحلیل نمود.

¹ در تبیین چهارچوب نظری تحقیق، به شکل آزاد و تلخیصی از اثرهای ذیل بهره گرفته شده است:
سعدی پیداد، همگرایی در سازمان اکو، چاپ اول، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، 1383، صص 36-56.
سعدی قاسمی، طرح مفهومی و نظری مطالعات منطقه ای در سیاست بین الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره 67، بهار 1384، صص 159-200.



در این مدل، خاورمیانه به‌عنوان یک نظام منطقه‌ای تابع از نظام بین‌الملل محسوب می‌شود که دارای سه قلمرو می‌باشد که مهم‌ترین آن بخش مرکزی است و نحوه ای‌فای نقش قدرت‌های مرکزی، نقش تعیین‌کننده‌ای را نه تنها در ایجاد ساختار قدرت منطقه‌ای دارد بلکه روند تحولات منطقه نیز تابع نوع بازی آن‌ها می‌باشد. ایران اسلامی به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای، لازم است جهت ای‌فای نقش مؤثر در راستای تأمین منافع ملل مسلمان منطقه، از طریق پیوندهای استراتژیکی که از آن به‌عنوان راهبرد ائتلاف‌سازی یاد می‌شود، سطح قدرت خود را افزایش دهد و مانع از مداخله قدرت‌های خارجی و دولت‌های وابسته به آن‌ها در منطقه گردد. بدین منظور، لازم است ظرفیت‌های ائتلاف‌سازی ایران و عراق جدی‌د، در لایه‌های گوناگون شناسایی شود تا از طریق فعال‌سازی آن‌ها، برآیند قدرت ایران و عراق افزایش یابد و نظم نوین منطقه‌ای منطبق بر منافع دو ملت و منطقه شکل گیرد. همچنان که در مباحث فوق بیان شد، جهت شناسایی پیوندهای استراتژیکی و ای‌همگرایی می‌ان دو کشور می‌توان آن‌ها را در چهار سطح مورد مطالعه قرار داد که به‌صورت ذیل می‌باشد:



نمودار فوق، نشان می دهد که برای بیان ظرفیت ها و موانع ائتلاف سازی می ان ایران و عراق، می توان آن ها را در چهار جهت مورد بررسی قرار داد. موارد چهارگانه، این امکان را به ما می دهد تا ظرفیت های ائتلاف سازی را در موارد متعدد مطالعه نماییم و با افزایش آن ها سطح قدرت دو کشور را ارتقا ببخشیم. با توجه به نمودار فوق تلاش می شود تا در فصول بعد، ظرفیت ها و موانع راهبرد ائتلاف سازی ایران و عراق جدی د، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.